

پرسش و پاسخ ندای آزادی از فعالان سیاسی در باره‌ی مقدرات برجام

مهران مصطفوی

ندای آزادی: با توجه به شرایط سالهای قبل از برجام مانند تحریم های بین المللی و خطر جدی جنگ، آیا برجام (برنامه جامع اقدام مشترک)، قرارداد مثبتی برای کشور ما بود، و یا فقط باعث بقای جمهوری اسلامی شد؟

مهران مصطفوی: برای پاسخ روشن دادن به این سؤال، اول از همه باید ببینیم که علت برجام چه بود. برجام از دید غرب و جمهوری اسلامی برای پایان دادن به بحران هسته ای بود. بحرانی که نتیجه 4 دروغ اصلی و پایه ای به شرح زیر بود:

اولین خلاف حقیقت که حدود 25 سال است حاکمیت آن را تکرار می‌کند این است که ایران به انرژی هسته‌ای نیاز دارد فریب دوم این است که ایران برای تولید انرژی هسته‌ای نیاز به صنعت غنی سازی اورانیوم دارد. دروغ سوم درباره نیاز به انتخاب تکنولوژی آب سنگین برای راکتور اراک است. دروغ چهارمی نیز وجود دارد که در آن سوی مرزهای ایران ساخته شده است و خلاصه این دروغ این است که «ایران تا اندی دیگر بمب اتمی خواهد ساخت». از دید نگارنده با توجه به گزارشی که ۱۶ سازمان اطلاعاتی آمریکا در سال ۱۳۹۰ منتشر کردند و اطلاعاتی که از ایران به دست می‌آمد، واضح بود که رژیم ایران از سال ۲۰۰۳ پیش بردن پروژه ساختن سلاح اتمی را کنار گذاشته است. به اصطلاح افشاگری نتانیاهو تکرار همان صحبتها بود و با وجود دزدیدن چند تن مدرک و سند توسط اسرائیل، سندی دال بر ادامه سیاست ساختن بمب توسط ایران پیدا نشد. البته بر این عقیده بودم و هستم که بدون سه دروغ اول ممکن نبود اسرائیل و محافظه کاران جدید و برخی از دولت‌های غربی بتوانند دروغ چهارم را بسازند.

بارها از قبل از آغاز مذاکرات هشدار می‌دادم که چون ایران برای پیشبرد سیاست‌های خود از بحران هسته‌ای استفاده می‌کند، غرب نیز با انگشت گذاشتن بر روی خطر ساختن بمب هسته‌ای، به ایران فشار می‌آورد تا از موضع قدرت وارد مذاکره شود. و سرانجام غرب با توافق وین

موفق شد جام زهر را به آقای خامنه‌ای بنوشاند.

اما اگر به برجام از دید حقوق ایرانیان بنگریم متوجه می‌شویم که هنوز همان 4 دروغ بالا پابرجا هستند و مسئله‌ای حل نشده است. با برجام مشخص نشد چرا ایران 15 سال بهای سنگین سیاست هسته‌ای را پرداخته است. و بالاخره اینکه در برجام ایران از موضع ضعف به دهها تعهد تن داد و در عوض چیزی دریافت نکرد چنانچه تحریمهای امریکا ادامه یافت و حتی امریکا تحریمها را تشدید کرد و از برجام هم بالاخره بیرون آمد. ایران از نظر حقوقی کاری نمی‌تواند بکند و شاید - به احتمال کم - بتواند امریکا را در دادگاه لاهه محکوم کند ولی حتی در اینصورت تغییری رخ نخواهد داد زیرا برای امریکا حکم واجب الاجرا نیست. و مهمتر از همه اینکه برخی طوری وانمود می‌کردند که به غیر از برجام راهی برای پایان دادن به بحران اتمی نیست. اما راهی بود و هنوز هم هست، راهی که رژیم نمی‌خواهد بپذیرد زیرا دروغهایش افشا می‌شوند. بطور مثال هیچ دلیل عقلانی برای ادامه غنی‌سازی اورانیوم در ایران وجود ندارد اما با برجام اینکار - حتی بصورت نمادین ادامه پیدا کرده است و کسانی که از بین مخالفین از برجام دفاع کردند این مسائل مهم را در نظر نگرفتند و یا با مصلحت اندیشی چشم پوشی کردند.

در پایان این امر را باید یادآوری کرد که نقش مخالفان مستقل و دمکرات رژیم ارائه راه‌های خود در چارچوب دفاع از حقوق ملی ایرانیان می‌باشد نه اینکه در زندان انتخاب بین بد و بدتر قدرتها عمل کنند. اکنون ما بعد از 4 سال شاهد هستیم که برجام حقوق ملت ایران را در نظر نگرفته بود و گره‌ای هم از کار مردم نگشود. از همان فردای امضای برجام بارها هشدار دادیم که آقای خامنه‌ای توافقی را می‌خواهد که با آن نه رابطه با کشورهای غرب و خصوصا امریکا سالم شود و به بحرانها پایان داده شود و نه در داخل ایران گشایشی صورت گیرد و متأسفانه چنین نیز شد.

ندای آزادی: در صورتی که ایران به تعهداتش بر مبنای این توافق ادامه دهد و دیگر طرفهای برجام مانند چین، روسیه و اروپا به آن پایبند بمانند، برجام می‌تواند بدون حضور امریکا ادامه داشته باشد؟

مصطفوی: برجام می‌تواند بدون امریکا ادامه پیدا کند اما بی‌روح خواهد بود و بکار ایران هم نمی‌آید. یعنی آنچه که رژیم از برجام می‌خواست که کم کردن بار فشار تحریمها بود با توجه به سیاست

آقای ترامپ تحقق نخواهد یافت. طرف اول ایران امریکا بود نه اروپا یا چین و روسیه. در ایران کسانی که به برجام تن دادند گمان می کردند همیشه نوعی از حکومت آقای اوباما در امریکا خواهد بود. اما اینطور نشد و تن به تعهدهایی غیرقابل بازگشتی دادند و اکنون نمی دانند چه باید بکنند. اروپا هم هنوز اراده آن را ندارد که سیاست مستقلی از امریکا داشته باشد حتی اگر سیاسیون اروپایی سخن از چنین اراده ای بکنند وضعیت تغییر جدی نخواهد کرد زیرا سرمایه داری اروپا حاضر نیست بخاطر بازار کوچک ایران منافع خود را در امریکا بخطر اندازد. بدینخاطر هر روز با خارج شدن شرکتهای مختلف اروپایی از بازار ایران روبرو هستیم.

ندای آزادی: آیا ملغا شدن برنامه برجام باعث سقوط و یا تسریع سقوط نظام جمهوری اسلامی خواهد شد؟

مصطفوی: علل تسریع سقوط رژیم را قبل از هر چیز باید در سیاستهای خود رژیم جست. فساد بی پایان، اقتصاد رانتهی نتیجه ملغی شدن برجام نیستند بلکه نتیجه سیاستهای یک رژیم مستبد و فاسد است. بر اینها باید استبداد سیاسی و مذهبی را افزود. مگر کشور کوبا 40 سال تحریم نبود؟ اما کوبا با اینهمه فساد و نابرابری اقتصادی مواجه نشد. علت اصلی حضور مدیران بی کفایت و فاسد با داشتن یک ایدولوژی عقب مانده در ایران است.

ندای آزادی: با توجه به قدرت و امکانات گسترده امریکا برای تحریم ایران و تحت فشار قراردادن کشورهای دیگری که با ایران مناسبات اقتصادی دارند، خروج امریکا از برجام چه پیامدهای برای مردم ایران و برای جمهوری اسلامی به همراه خواهد داشت؟

مصطفوی: تشدید تحریمها فشار را به مردم و طبقات کم درآمد بیشتر می کند جمهوری اسلامی می تواند با تزریق ترس از آینده بدتر از این وضعیت سود ببرد. در ماههای آینده با هر چه بدتر شدن وضعیت معیشتی مردم روبرو خواهیم بود. و اگر خواسته های آنان در یک بیان و خواست سیاسی عمومی تبلور پیدا نکند برای جمهوری اسلامی سرکوب اعتراضات چندان مشکل نخواهد بود. اما جمهوری اسلامی برای بیرون رفتن از بحران هم در حال مذاکره با امریکا و هم در حال تحکیم روابط خود با روسیه است. یعنی کاری که همیشه کرده است: حل مسائل از طریق خارجی و نه از طریق جامعه ملی.

ندای آزادی: اپوزیسیون خارج از کشور چه وظائفی در این شرایط بر

مصطفوی: در شرایط پیچیده و خطیر کنونی مخالفان دمکرات بیش از پیش باید خود مستقل از جمهوری اسلامی و مستقل از قدرتهای خارجی کنند و میدان عمل باید خواسته های مردم و تدارک جنبش عمومی باشد. مخالف باید بدیل باشد یعنی برنامه ارائه دهد نه اینکه فقط مخالفت کند و یا زمانی که فکر جمعی جبار ایجاد می شود دنباله رو گردد. متأسفانه هنوز در آنچه که به برجام مربوط می شود کار مناسب را انجام نداده ایم. بخشی در انتظار معجزه از سوی ترامپ هستند و بخشی دیگر هنوز امید به اصلاح دارند و از سیاستهای آقای روحانی حمایت می کنند. اما ما نیاز به یک راه حل ملی داریم. باید واقعیت را با مردم ایران در میان گذاشت و هر فرد مسئولیت خود را بپذیرد. ادامه وضعیت کنونی می تواند حتی حیات ملی ما را بخطر اندازد اگر در مقابل استبداد سیاهی که بنام مذهب حاکم شده است نایستیم و اگر سیاستهای سیاه امریکا و روسیه در منطقه را افشا نکنیم. اگر بدنیاال هر راه حل دیگری به غیر از جنبش مردم برای تغییر رژیم و استقرار دمکراسی باشیم به بدتر کردن وضعیت کمک کرده ایم. باید شجاعت داشت و در مقابل تبلیغات دروغ و تحریفات همه جانبه ایستادگی کرد. از اینرو نزدیک شدن گروهها و شخصیتهای سیاسی سالم و مستقل و دمکرات و جمهوریخواه می تواند به حرکت مردم و فراگیر شدن آن و باز کردن افق برای تغییر به سوی دمکراسی کمک کند.